The Quarterly Journal of
New Higher Education Research and Knowledge (NHERK)

Vol. 2, Issue 5, Spring 2025, 68-79
E-ISSN: 2981-1228, P-ISSN: 2981-0418

Available Online at: https://www.Nherk.ir/

Rsearch Article

Designing and Validating a Policy Research Model to Make Educational Policy-making Efficient in University Units of Mazandaran Province

Seyedeh Samaneh Hashemi Manesh [1], Seyede Nasibeh Ebrahimnezhad Zoghalchali [2]

1.Department of Educational management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.
Email: *Hashemisamaneh058@gmail.com*
2.Department of Educational management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.
Email: *Ebi_arshia@yahoo.com*

**** Corresponding Author**: Ebi_arshia@yahoo.com*

ARTICLE INFO

Keywords:

Validating
Policy Research
Educational Policy-Making
Higher Education
Mazandaran Province

Received:
19 March 2025
Received in revised form:
10 April 2025
Accepted:
03 May 2025
Published:
June 2025

Pp.68-79

ABSTRACT

Background and Objectives: University policy research, as a key tool, provides a scientific and efficient basis for educational policy-making and quality enhancement in universities. The aim of this study was to design and validate a policy research model to make educational policy-making efficient in university units of Mazandaran province.

Methodology: This research was conducted using a descriptive-survey method with the aim of testing and validating the extracted model. The statistical population consisted of all faculty members of universities in Mazandaran province. Using multi-stage cluster sampling, 242 individuals were selected as the sample. The data collection instruments at this stage were researcher-made questionnaires, the items of which were directly derived from qualitative findings and a review of the research literature. The content validity of the questionnaires was confirmed by expert opinion and calculation of CVR and CVI indices. Their reliability was also assessed by calculating Cronbach's alpha coefficient and composite reliability, with the obtained values being at a desirable level. To examine construct validity (convergent and divergent) and analyze the relationships between variables in the final model, structural equation modeling technique with Smart-PLS software was used.

Results: The results showed that the fit of the model between university policy research with dimensions (including educational, research, socio-cultural, financial-administrative, international, and environmental policies) and educational policy-making with dimensions (including educational content, quality, finance and budget, supervision and evaluation, political-social, and cultural-linguistic) with a Q2 index of 0.266, according to Henseler et al. (2009) standards, falls within the "higher than average" predictive power range.

Conclusion: The overall results of the research indicate that the deployment of a systematic policy research model can pave the way for evidence-based decision-making, increased coordination and effectiveness of educational policies, and ultimately, the enhancement of higher education quality in universities of Mazandaran province.

Citation: Hashemi Manesh, S. S. & Ebrahimnezhad Zoghalchali, S. N. (2025). Designing and Validating a Policy Research Model to Make Educational Policy-making Efficient in University Units of Mazandaran Province. *Knowledge and Research in New Higher Education*, 2(5), 68–79.

http://10.22034/NHERK.2025.578621.1024

Authors retain the copyright and full publishing rights. © Authors.
The Article is Published by Alim-e-Noor Publication Center.
This article is an open access article licensed under
The Creative Commons Attribution 4.0 International **(CC BY 4.0).**

فصلنامه

دانش و پژوهش در آموزش عالی نوین

دوره۲، شماره ۵، بهار ۱۴۰۴، ۶۸-۷۹
E-ISSN: 2981-1228, P-ISSN: 2981-0418

Available Online at: https://www.Nherk.ir/

مقاله پژوهشی

طراحی و اعتبارسنجی الگوی سیاست‌پژوهی به منظور کارآمدسازی سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران

سیده سمانه هاشمی منش [۱]، سیده نسیبه ابراهیم نژاد ذغالچالی [۲]

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

نویسنده مسئول: Ebi_arshia@yahoo.com

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:
اعتبار یابی
سیاست پژوهی
سیاستگذاری آموزشی
آموزش عالی
استان مازندران

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۲/۲۹
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۰۱/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۲/۱۳
تاریخ انتشار:
۱۴۰۴/۰۳/۱۱
صص. ۶۸-۷۹

چکیده

زمینه و هدف: سیاست‌پژوهی دانشگاهی به عنوان ابزاری کلیدی، مبنای علمی و کارآمدی را برای سیاستگذاری آموزشی و ارتقای کیفیت در دانشگاه‌ها فراهم می‌کند. هدف این پژوهش، طراحی و اعتبارسنجی الگوی سیاست‌پژوهی به منظور کارآمدسازی سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران بود.

روش پژوهش: این پژوهش با هدف آزمون و اعتبارسنجی الگوی استخراج شده، به روش توصیفی-پیمایشی اجرا شد. جامعه آماری را کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان مازندران تشکیل دادند. با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۲۴۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله، پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بودند که گویه‌های آن مستقیماً از یافته‌های کیفی و مرور ادبیات پژوهش برگرفته شده بود. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها با نظر خبرگان و محاسبه شاخص‌های CVR و CVI تأیید شد. پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد سنجش قرار گرفت که مقادیر به‌دست‌آمده در سطح مطلوب بودند. برای بررسی روایی سازه (همگرا و واگرا) و همچنین تحلیل روابط بین متغیرها در مدل نهایی، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart-PLS استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که برازش الگوی بین سیاست‌پژوهی دانشگاهی با ابعاد (شامل سیاست‌های آموزشی، پژوهشی، اجتماعی-فرهنگی، مالی-اداری، بین‌المللی و محیط زیستی) و سیاستگذاری آموزشی با ابعاد (شامل محتوای آموزش، کیفیت، مالی و بودجه، نظارت و ارزیابی، سیاسی-اجتماعی و فرهنگی-زبانی) با شاخص Q2 برابر با ۰.۲۶۶ بر اساس استانداردهای هنسلر و همکاران (۲۰۰۹)، در بازه قدرت پیش‌بینی «بالاتر از متوسط» قرار می‌گیرد.

نتیجه گیری: نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که استقرار الگوی نظامند سیاست‌پژوهی می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، افزایش هماهنگی و اثربخشی سیاست‌های آموزشی، و نهایتاً ارتقای کیفیت آموزش عالی در دانشگاه‌های استان مازندران شود.

استناد: هاشمی منش، سیده سمانه و ابراهیم نژاد ذغالچالی، سیده نسیبه. (۱۴۰۴). طراحی و اعتبارسنجی الگوی سیاست‌پژوهی به منظور کارآمدسازی سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران. *دانش و پژوهش در آموزش عالی نوین*، ۲(۵)، ۶۸-۷۹.

http://10.22034/NHERK.2025.578621.1024

حق نشر و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است. © نویسندگان. این مقاله توسط مرکز انتشارات علیم نور منتشر شده است. این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) منتشر شده است.

مقدمه

در دنیای پیچیده و پویای معاصر، دانشگاه ها به عنوان نهادهای پیش ران توسعه علمی، فرهنگی و اقتصادی جوامع، نقشی بی بدیل ایفا می کنند. موفقیت این نهادها در تحقق رسالت ذاتی خود، که همانا تربیت نیروی انسانی متخصص، تولید دانش و پاسخگویی به نیازهای جامعه است، در گرو وجود نظامی منسجم، کارآمد و آینده نگر در حوزه مدیریت و راهبری است (اسلامی و ولی زاده، ۱۴۰۲، ص۶۶۵). در این میان، سیاست گذاری آموزشی به عنوان قلب تپنده نظام دانشگاهی، فرآیندی است که اهداف، جهت گیری ها و چارچوب های اصلی فعالیت ها آموزشی را تعیین می کند. کیفیت این سیاست ها مستقیماً بر تمامی ابعاد دانشگاه، از محتوای دروس و روش ها تدریس تا منابع انسانی و زیرساخت ها ، تأثیر می گذارد و در نهایت، کارایی و اثربخشی کل مجموعه را رقم می زند (آراسته و همکاران، ۱۴۰۰، ص۶۲). با این حال، تدوین سیاست های آموزشی دقیق، منطبق بر واقعیت و پاسخگو به نیازهای متغیر، بدون پشتوانه ای محکم از پژوهش و تحلیل علمی، امری دشوار و همراه با خطر اتخاذ تصمیم های ناکارآمد است. اینجاست که نقش حیاتی سیاست پژوهشی» آشکار می شود (زایده، ۲۰۲۱، ص۸۵). سیاست پژوهشی به عنوان فرآیندی نظامند، به جمع آوری داده ها معتبر، تحلیل عمیق مسائل، ارزیابی سیاست های موجود و ارائه پیشنهادهای مبتنی بر شواهد به سیاستگذاران می پردازد. پلی میان جهان پژوهش و عرصه عمل و تصمیم گیری است (نودهی وبدری، ۱۴۰۱، ص۳۵).

فاصله احتمالی میان سیاستگذاری آموزشی و سیاست پژوهی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران و ضرورت طراحی الگوی بومی برای پیوند این دو حوزه است. استان مازندران با دارا بودن تعداد قابل توجهی از مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی، نقش مهمی در تربیت نیروی انسانی متخصص در سطح منطقه و کشور ایفا می کند. اما این واحدهای دانشگاهی با چالش ها متنوع و پیچیده ای مواجه هستند؛ چالشهایی که ریشه های آن می تواند در کژ کارکردی های سیاستگذاری آموزشی نهفته باشد (ملک محمدی، ۱۴۰۱، ص۱۰۵). از جمله این چالش ها می توان به نبود منابع مالی کافی، کمبود امکانات پژوهشی و آموزشی پیشرفته، عدم تطابق کامل برنامه های درسی با نیازهای پویای بازار کار محلی و ملی، رقابت فزاینده برای جذب دانشجو و نیز حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی اشاره کرد. این شرایط منجر به این شده است که علیرغم تلاشهای صورت گرفته، خروجی نظام دانشگاهی استان گاهی نتواند به طور کامل پاسخگوی انتظارات جامعه و نیازهای توسعه ای منطقه باشد (نجیبی وخراسانی، ۱۴۰۱، ص۷۹). یکی از عوامل تشدید کننده این چالشها، ممکن است فقدان یک الگوی منسجم و نظامند «سیاست پژوهی» باشد که بتواند به عنوان چراغی راهنما، فرآیند «سیاستگذاری آموزشی» را روشن کند (الباهرو محمد، ۲۰۲۲، ص۱۸۵).

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

در بسیاری از موارد، سیاست های آموزشی در دانشگاه ها ممکن است بیشتر بر اساس تجربه شخصی، رویه های گذشته، فشارهای محیطی یا تصمیم های مقطعی و بدون پشتوانه پژوهشی قوی اتخاذ شوند (ناری نژاد و محمدی، ۲۰۲۰، ص۱۵). امر می تواندبه پراکندگی، ناهماهنگی و حتی تضاد در سیاست های بخش های مختلف یک دانشگاه یا بین دانشگاه های مختلف استان بینجامد. از سوی دیگر، ممکن است پژوهش های ارزشمندی در حوزه آموزش عالی انجام شود، اما یافته های این پژوهش های نتوانند مسیر خود را به میز تصمیم گیران سیاستگذاران و مجریان بیابند (کیخا و توفیقی داریان، ۱۴۰۰، ص۶۶). این گسست میان «دانش» تولید شده و «عمل» سیاست گذاری، یکی از موانع اصلی ارتقای کیفیت در آموزش عالی است (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص۲۲۰). بنابراین، پرسش بنیادین این است که چگونه می توان با طراحی و استقرار یک الگوی عملیاتی، فرآیند سیاست پژوهی را به طور مؤثر در خدمت سیاستگذاری آموزشی در دانشگاه های استان مازندران قرار داد؟ الگوی که نه تنها منطبق با شرایط بومی، فرهنگی و اقتصادی خاص این استان باشد، بلکه بتواند مشارکت فعال تمامی ذینفعان، به ویژه اعضای هیئت علمی را که اصلی ترین رکن آموزشی دانشگاه هستند، تضمین کند.

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش از چند جنبه قابل تبیین است. از لحاظ نظری، این مطالعه به غنای ادبیات حوزه سیاست پژوهی و سیاست گذاری آموزشی در بافت خاص ایران و به ویژه استان مازندران کمک می کند . اغلب مدل ها و چارچوب های موجود در این حوزه، ریشه در تجربیات و نظام های آموزشی دیگر کشورها دارند. بنابراین، طراحی الگوی که ویژگی های منحصر به فرد نظام آموزش عالی ایران، تأثیر ساختارهای حاکمیتی، تنوع فرهنگی مناطق و همچنین چالش های خاص یک استان مانند مازندران را در نظر بگیرد، دارای نوآوری است. این پژوهش درصدد است تا با ترکیب مبانی نظری جهانی و واقعیات محلی، چارچوبی بومی ارائه دهد. از جنبه عملی و کاربردی، نتایج این تحقیق می تواند نقشه راهی ارزشمند برای سیاستگذاران، مدیران و برنامه ریزان آموزشی در سطح دانشگاههای استان مازندران باشد. الگوی پیشنهادی می تواند به آنان کمک کند تا به جای اقدامات سلیقه ای و پراکنده، بر اساس داده های معتبر، تحلیلهای علمی و با در نظر گرفتن دیدگاههای همه ذینفعان ، به تدوین، اجرا و ارزیابی سیاستهای آموزشی بپردازند.

این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به ارتقای کیفیت آموزش، افزایش رضایت دانشجویان و اساتید، هماهنگی بیشتر با نیازهای بازار کار، استفاده بهینه از منابع و در نهایت، افزایش نقش آفرینی دانشگاههای استان در توسعه پایدار منطقه شود. علاوه بر این، با شفاف تر و نظامند تر شدن فرآیند سیاستگذاری، زمینه برای مسئولیت پذیری بیشتر و مشارکت حرفه ای اعضای هیئت علمی فراهم می آید. اساتید دانشگاه که هم به عنوان مجریان سیاستهای آموزشی و هم به عنوان پژوهشگران حوزه تخصصی خود عمل میکنند. می توانند از طریق مکانیسم های تعریف شده در الگوی سیاست پژوهی، دانش و تجربه

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

خود را مستقیماً در خدمت بهبود سیاستها قرار دهند. این مشارکت نه تنها به ارتقای کیفیت تصمیم ها می انجامد، بلکه احساس تعلق و مسئولیت را در بین اعضای هیئت علمی تقویت میکند. از سوی دیگر، شناسایی و تحلیل رابطه علی میان مؤلفه های سیاست پژوهی (مانند روشهای گردآوری داده، تحلیل ذی نفعان، ارزیابی اثرات) و مؤلفه های سیاستگذاری آموزشی (مانند تدوین برنامه درسی، توسعه حرفه ای اساتید، مدیریت منابع) می تواند به درک دقیقتری از نحوه تاثیرگذاری این فرآیند بر یکدیگر منجر شود.

محمد وند یاری (۱۴۰۳) عنوان تحقیقی سیاستگذاری و برنامه ریزی آموزشی در نظام آموزشی ایران می باشد. این تحقیق بر ضرورت برنامه ریزی آموزشی واقع بنیان و همسو با سیاستگذاری دقیق برای تحقق اهداف توسعه آموزشی تأکید کرد .کشمیری و همکاران (۱۴۰۲) عنوان تحقیقی ارائه الگوی سیاستگذاری آموزشی مهارت آموزی دانش آموزان دوره اول متوسطه: الگوی نهایی شامل پنج بُعد علی، مداخله گر، زمینه ای، راهبرد ها و پیامدها با ۲۰ مولفه کلیدی شناسایی شد. نجیبی و خراسانی (۱۴۰۱) عنوان تحقیقی با عنوان آسیب شناسی نظام سیاستگذاری آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران می باشد نتایج آن مهمترین آسیب های شناسایی شده شامل ضعفهای ساختاری، بی ثباتی مدیریتی و غفلت از چرخه علمی سیاستگذاری بود. فانگ و همکاران (۲۰۲۳) عنوان تحقیقی سیاست پژوهی جدید در مورد توسعه آموزش و شهروندی جهانی در یک محیط پایدارمی باشد در این پژوهش نشان داد سیاست‌پژوهی با محوریت اخلاق و شهروندی جهانی، مدلی با عملکرد برتر برای آموزش پایدار ارائه می‌دهد. مالین و تان (۲۰۲۲) عنوان تحقیق مبادله نوآوری دولتی و سیاست آموزشیمی باشد نتایج مطالعه نشان داد تعامل نوآوری دولتی و سیاست آموزشی، چهار هدف راهبردی کلان از جمله ایجاد قدرت مترقی و پیشبرد ایده‌های پیشرو را محقق می‌کند. مینگ و گلدنبرگ (۲۰۲۱) عنوان تحقیق چارچوب‌بندی کیفیت شواهد تحقیق برای سیاست‌گذاری و عملکرد آموزشیمی باشد . نتایج این تحقیق بر ضرورت تحول فناورانه و درنظرگیری عدم قطعیت‌های محیطی در سیاست‌پژوهی آموزشی تأکید کردند. نیک لاس (۲۰۲۴) عنوان تحقیق روانشناسی آموزشی و سیاست آموزشی می باشد . نتایج این مطالعه نشان داد که حوزه روانشناسی تربیتی به دلایلی مانند بی ربط پنداشتن سیاست و نگرانی از تضاد با عینیت علمی، سیاست آموزشی را نادیده گرفته است. با مروری بر پژوهشهای پیشین، اگرچه مطالعات پراکنده ای در حوزه سیاستگذاری آموزشی یا اهمیت پژوهش در این عرصه انجام شده است، اما خلأ یک مطالعه جامع که به طور خاص به ارائه «الگوی سیاست پژوهی» برای «سیاستگذاری آموزشی» در سطح «واحدهای دانشگاهی یک استان» با تمام پیچیدگی های بومی آن بپردازد، به وضوح احساس میشود. بسیاری از تحقیقات موجود یا کلی نگر هستند یا به یک جنبه خاص محدود شده اند. این پژوهش درصدد است تا با پوشش این خلأ، گامی فراتر نهاده و الگوی

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

عملیاتی و زمینه محور ارائه دهد. هدف اصلی این مطالعه، تدوین الگوی سیاست پژوهی به منظور کارآمد سازی سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران است. در راستای این هدف کلان، پژوهش حاضر به دنبال کشف و تبیین این پرسش اساسی است که روابط علی میان مؤلفه های سیاست پژوهی و مؤلفه های سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران چگونه است و چگونه میتوان این روابط را در قالب یک الگوی منسجم برای ارتقای کیفیت تصمیم گیری و اجرا در نظام آموزش عالی استان سامان داد.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف آزمون و اعتبار سنجی الگوی استخراج شده ، به روش توصیفی–پیمایشی اجرا شد. جامعه آماری را کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاههای استان مازندران تشکیل دادند. با به کارگیری روش نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۲۴۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری دادهها در این مرحله، پرسشنامه های محقق ساخته بودند که گویه های آن مستقیماً از یافته های کیفی و مرور ادبیات پژوهش برگرفته شده بود. روایی محتوایی پرسشنامه ها با نظر خبرگان و محاسبه شاخص های CVR و CVI تأیید شد. پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد سنجش قرار گرفت که مقادیر بدست آمده در سطح مطلوب بودند. برای بررسی روایی سازه (همگرا و واگرا) و همچنین تحلیل روابط بین متغیر ها در مدل نهایی، از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار Smart-PLS استفاده شد.

یافته

برای بررسی اعتباریابی الگوی سیاست پژوهی به منظور سیاست گذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. میزان درجه تناسب مدل تاثیر سیاست پژوهی دانشگاهی به منظور سیاست گذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران به همراه ارائه الگوی یکپارچه و متعادل براساس روابط بین متغیرها با استفاده از نرم افزار pls محاسبه شد. برای این منظور، از یک شاخص جهت تعیین تناسب و برازش مدل استفاده گردید. شاخص Q^2 معیاری است که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، و قدرت پیش بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آن ها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای

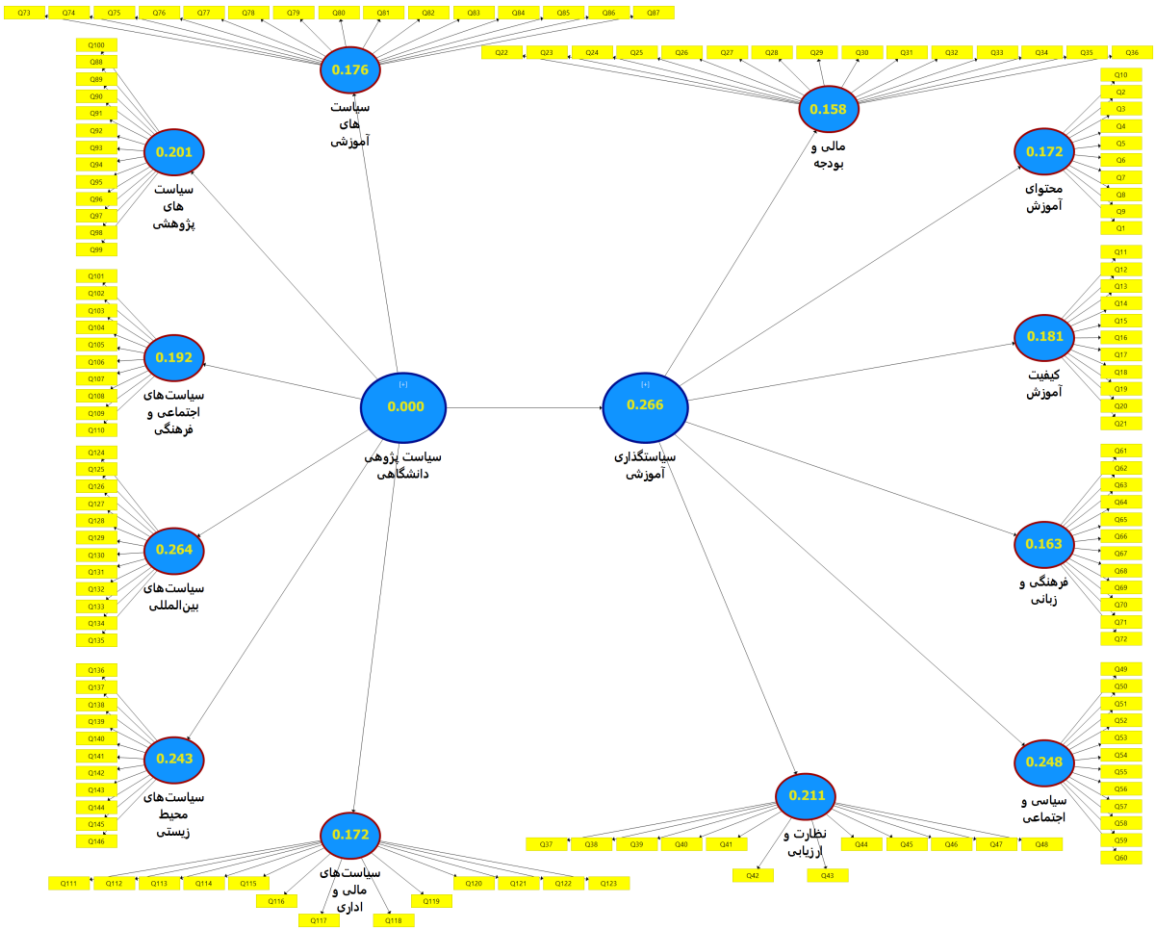
http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تاثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تائید می شوند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰.۱۵ ، ۰.۲۰ و ۰.۳۵ را به عنوان قدرت پیش بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده اند. از اینرو، نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مقدار Q^2 در مورد برازش مدل تاثیر سیاست پژوهی دانشگاهی بر سیاستگذاری آموزشی در جدول زیر داده شده است.

جدول۱ . نتایج حاصل از شاخص Q^2

عنوان	ستون ۱	ستون ۲	ستون ۳
سیاست‌های آموزشی	۳٫۶۳۰٫۰۰۰	۳٫۶۵۱٫۵۹۲	۰٫۱۷۶
سیاست‌های پژوهشی	۳٫۱۴۶٫۰۰۰	۳٫۱۶۴٫۹۹۳	۰٫۲۰۱
سیاست پژوهی دانشگاهی	۲۴۲٫۰۰۰	۲۴۲٫۰۰۰	—
سیاستگذاری آموزشی	۲۴۲٫۰۰۰	۲۰۱٫۷۲۹	۰٫۲۶۶
سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی	۲٫۴۲۰٫۰۰۰	۲٫۴۲۵٫۹۶۴	۰٫۱۹۲
سیاست‌های بین‌المللی	۲٫۹۰۴٫۰۰۰	۲٫۹۰۹٫۰۱۲	۰٫۲۶۴
سیاست‌های مالی و اداری	۳٫۱۴۶٫۰۰۰	۳٫۱۵۵٫۰۲۸	۰٫۱۷۲
سیاست‌های محیط زیستی	۲٫۶۶۲٫۰۰۰	۲٫۶۶۱٫۲۰۲	۰٫۲۴۳
سیاسی و اجتماعی	۲٫۹۰۴٫۰۰۰	۲٫۸۹۰٫۳۹۲	۰٫۲۴۸
فرهنگی و زبانی	۲٫۹۰۴٫۰۰۰	۲٫۸۹۸٫۲۳۰	۰٫۱۶۳
مالی و بودجه	۳٫۶۳۰٫۰۰۰	۳٫۶۳۱٫۷۷۹	۰٫۱۵۸
محتوای آموزش	۲٫۴۲۰٫۰۰۰	۲٫۴۳۱٫۹۸۳	۰٫۱۷۲
نظارت و ارزیابی	۲٫۹۰۴٫۰۰۰	۲٫۸۷۰٫۶۸۲	۰٫۲۱۱
کیفیت آموزش	۲٫۶۶۲٫۰۰۰	۲٫۶۵۳٫۲۸۰	۰٫۱۸۱

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024



نمودار۱. مقادیر Q^2 برای مولفه های مدل تاثیر سیاست پژوهی دانشگاهی به منظور سیاست گذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران

همانطور که در جدول و نمودار مشخص است و با توجه به سه مقدار ۰.۱۵ ، ۰.۲۰ و ۰.۳۵ که به عنوان قدرت پیش بینی کم، متوسط و قوی در نظر گرفته می شوند، میبینیم که برازش مدل رابطه بین تاثیر سیاست پژوهی دانشگاهی به منظور سیاست گذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران با مقدار ۰.۲۶۶ در سطح بالاتر ازمتوسط قرار دارد و حاکی از برازش نسبتا قوی برای رابطه بین سیاست پژوهی دانشگاهی و سیاستگذاری آموزشی است و میتوان اینگونه نتیجه گرفت که قدرت پیش بینی مدل در سازه نهایی از برازش ساختاری بالاتر از سطح متوسط برخوردار است.

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

نتیجه گیری

بررسی نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار PLS و شاخص برازش Q2 نشان می‌دهد که الگوی طراحی شده برای تبیین نقش سیاست‌پژوهی دانشگاهی در ارتقای سیاستگذاری آموزشی در واحدهای دانشگاهی استان مازندران، از اعتبار و کارآمدی مطلوبی برخوردار است. مقدار به‌دست آمده برای شاخص Q2 برابر با ۰.۲۶۶ است که بر اساس استانداردهای هنسلر و همکاران (۲۰۰۹)، در بازه قدرت پیش‌بینی «بالاتر از متوسط» قرار می‌گیرد. این عدد که فراتر از حد متوسط (۰.۲۰) و نزدیک به سطح قوی (۰.۳۵) است، بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی توانایی قابل قبولی در پیش‌بینی و تبیین روابط علی بین متغیرهای پژوهش دارد. به عبارت دیگر، سیاست‌پژوهی دانشگاهی به عنوان یک متغیر پیش‌بین، توانسته است تبیین‌کننده قابل توجهی برای تغییرات و بهبود فرآیندهای سیاستگذاری آموزشی باشد. این یافته تأیید می‌کند که اگر روابط بین سازه‌های پژوهشی و آموزشی به درستی تعریف و مدیریت شوند، می‌توان انتظار داشت که شواهد علمی و تحلیل‌های نظام‌مند منجر به اتخاذ تصمیمات کارآمدتر در حوزه آموزشی گردد.

مقایسه نتایج این پژوهش با منابع و مطالعات پیشین، همسویی عمیقی را در خصوص ضرورت پیوند میان پژوهش و سیاستگذاری آشکار می‌سازد. یافته‌های این مطالعه که نشان‌دهنده برازش نسبتاً قوی مدل و تأثیر مثبت سیاست‌پژوهی بر سیاستگذاری است، با نتایج پژوهش نجیبی و خراسانی (۱۴۰۱) که بر آسیب‌شناسی نظام سیاستگذاری آموزش عالی تأکید داشتند، همخوانی دارد. نجیبی و خراسانی ضعف‌های ساختاری و غفلت از چرخه علمی را از مهم‌ترین آسیب‌ها برشمردند؛ نتایج حاضر عملاً نشان می‌دهد که الگوی مبتنی بر سیاست‌پژوهی می‌تواند راهکاری برای رفع این غفلت و تقویت چرخه علمی در تصمیم‌گیری‌ها باشد.

همچنین، این یافته‌ها با دیدگاه‌های فانگ و همکاران (۲۰۲۳) که بر اهمیت سیاست‌پژوهی با محوریت اخلاق و شهروندی در محیط‌های پایدار تأکید داشتند، سازگار است. مدل حاضر با نشان دادن قدرت پیش‌بینی مناسب، تأیید می‌کند که رویکردهای مبتنی بر شواهد و پژوهش می‌توانستند بستری برای توسعه آموزشی پایدار فراهم آورند. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش پشتوانه‌ای برای مطالعات مینگ و گلدنبرگ (۲۰۲۱) است که بر کیفیت شواهد تحقیق برای سیاستگذاری تأکید داشتند. شاخص Q2 بالاتر از متوسط در این پژوهش، نشان می‌دهد که استفاده از شواهد باکیفیت و تحلیل‌های عمیق در ساختار دانشگاه‌های مازندران، می‌تواند کیفیت سیاستگذاری را ارتقا دهد.

در سطح داخلی، پژوهش حاضر با مطالعه آراسته و همکاران (۱۴۰۰) در خصوص الگوی سیاستگذاری دانشگاه دیجیتالی و نیز محمدوند یاری (۱۴۰۳) در مورد برنامه‌ریزی آموزشی واقع‌بنیان، همسویی مفهومی دارد. هرچند حوزه این مطالعات

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

متفاوت است، اما همه بر این نکته توافق دارند که سیاست‌گذاری صرفاً بر اساس تجربه یا رویه‌های گذشته (که مصلی‌نژاد (۱۴۰۰) به عنوان یکی از سندروم‌های سیاستگذاری به آن اشاره کرده) کارآمد نیست. نتایج حاضر با اثبات قدرت پیش‌بینی بالای الگوی سیاست‌پژوهی، بر لزوم گذار از سیاست‌گذاری سنتی به مدل‌های مبتنی بر داده و شواهد علمی تأکید می‌کند.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مکمل دیدگاه‌های کیخا و توفیقی داریان (۱۴۰۰) باشد که نقش اعضای هیئت علمی را در سیاستگذاری برجسته کرده‌اند. مدل پیشنهادی با برازش ساختاری مناسب، بستری را فراهم می‌کند که دانش و تخصص اعضای هیئت علمی از طریق فرآیندهای سیاست‌پژوهی به بدنه تصمیم‌گیری‌های آموزشی تزریق شود. همچنین، با توجه به مطالعات بین‌المللی مانند مالین و تان (۲۰۲۲) در مورد تبادل نوآوری دولتی، نتایج حاضر نشان می‌دهد که دانشگاه‌های استان مازندران با بهره‌گیری از الگوی سیاست‌پژوهی، می‌توانند زمینه را برای نوآوری‌های آموزشی و تحقق اهداف کلان فراهم آورند.

در نهایت، با توجه به شاخص Q^2 برابر با ۰.۲۶۶، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی ارائه شده یک چارچوب کارآمد و معتبر برای دانشگاه‌های استان مازندران است. این مدل نه تنها با ادبیات نظری موجود (مانند زایده و اسلامی) که بر ضرورت همسویی سیاست‌ها با واقعیت‌ها تأکید دارند، همخوانی دارد، بلکه از نظر آماری نیز توانایی پیش‌بینی موفقیت سیاست‌گذاری آموزشی را داراست. بنابراین، توصیه می‌شود که مدیران دانشگاهی با استناد به این اعتبارسنجی، نسبت به استقرار این الگوی یکپارچه برای کاهش چالش‌های اشاره شده در مطالعات (مانند کمبود منابع یا عدم تطابق برنامه‌ها) و افزایش بهره‌وری نظام آموزشی اقدام نمایند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش که نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار سیاست‌پژوهی بر سیاستگذاری آموزشی است، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌های استان مازندران با استقرار یک «دفتر سیاست‌پژوهی» تخصصی، فرآیندهای تصمیم‌گیری را از حالت تجربی و سلیقه‌ای به رویکردهای مبتنی بر شواهد علمی تغییر دهند. مدیران دانشگاهی باید با ایجاد سازوکارهای مشارکتی، از دانش و تخصص اعضای هیئت علمی به عنوان پژوهشگران اصلی در تدوین و اجرای سیاست‌ها بهره بگیرند و با تخصیص منابع کافی برای پژوهش‌های کاربردی، شکاف میان نظریه و عمل را کاهش دهند. همچنین، ضروری است که دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای ارتقای سواد سیاست‌پژوهی مدیران و مسئولان برگزار گردد تا بتوانند با تحلیل دقیق داده‌ها و نیازهای محلی، سیاست‌هایی انعطاف‌پذیر، پایدار و همسو با اهداف توسعه منطقه تدوین کنند.

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

منابع

اسلامی, روح اله, ولی زاده, الهه. (۱۴۰۲). سازوبرگ ایدئولوژی در سیاست گذاری آموزش و پرورش ایران. *فصلنامه سیاست*, ۵۳(۴), ۶۵۱-۶۷۹ doi: 10.22059/jpq.2024.366946.1008130

آراسته، حمیدرضا؛ نوه ابراهیم، عبد ارحیم؛ عباسیان، حسین؛ خباره، کبری. (۱۴۰۰). ارائه الگوی سیاستگذاری دانشگاه دیجیتالی (رویکرد کیفی). *فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظامهای آموزشی*، ۱۴ (۲۷)، ۴۷-۷۲. doi: 10.52547/MPES.14.2.47

کشمیری، سمانه؛ خورشیدی، عباس؛ عراقبه، علیرضا؛ برزگر، نادر؛ دشمن زیاری، اسفندیار (۱۴۰۲). ارائه الگوی سیاست‌گذاری آموزشی مهارت‌آموزی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه: با رویکرد آمیخته. *فصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۴ (۷)، ۶۹-۵۸. https://sanad.iau.ir/Journal/jearq/Article/1113207/FullText

کیخا، احمد، و توفیقی داریان، جعفر. (۱۴۰۰). باز تعریف نقش اعضای هیئت علمی در سیاستگذاری آموزش عالی: یک مطالعه کیفی با استفاده از تحلیل تماتیک. سیاستگذاری عمومی، ۷(۳)، ۵۵-۷۶.

مصلی نژاد، عباس (۱۴۰۰). سندروم های سیاستگذاری توسعه اقتصادی در ایران. *فصلنامه سیاستگذاری عمومی*، ۷(۴)، ۲۳۰-۲۰۷. doi: 10.22059/jppolicy.2021.84830

ملک محمدی، حمیدرضا (۱۴۰۱). تأثیر روابط ایران و چین بر سیاستگذاری مدیریت بحران کرونا در ایران. *فصلنامه سیاستگذاری عمومی*، ۸ (۳)، ۱۱۳-۱۰۷. doi: 10.22059/jppolicy.2022.89581

محمدوندیاریجان‌علیا، زهرا. (۱۴۰۳). سیاستگذاری و برنامه ریزی آموزشی در نظام آموزشی ایران. *تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش*, ۱۵(۴), ۱-۱۰.

نجیبی، سید سعید؛ خراسانی، اباصلت (۱۴۰۱). آسیب شناسی نظام سیاستگذاری آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱۱ (۲۲)، ۱۰۱-۷۶. doi:10.22080/eps.2023.24473.2148

Al-Baher, I. A., & Mohammad, I. A. (2022). The Degree of Availability of a positive Internal Work Environment in Private Jordanian Universities in light of Some Variables from Viewpoint of Faculty Members Working in Them. *Jordanian Educational Journal*, *7*(3), 179-198. doi:10.52547/MPES.14.2.47

Anarinejad, A., & Mohammadi, M. (2020). The practical indicators for evaluation of e-learning in higher education in Iran. *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, *5*(1), 11-25. doi:10.52547/nitES.14.2.47

Fang, H., Zhang, F., Xiao, Q., & Lin, C. (2023). New Policy Research on Education Development and Global Citizenship in a Sustainable Environment. *Sustainability*, *15*(6), 4736. doi:10.232059/joiuolicy.2021.84830

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024

Nichols, S. L. (2024). Educational psychology and educational policy: Intersections and new directions. *In Handbook of educational psychology,* (pp. 162-188). Routledge. doi:10.110059/jiyghlicy.2021.84830

Malin, J. R., & Tan, J. (2022). The State Innovation Exchange and educational policy. *Education Policy Analysis Archives*, 30 (123). doi:10.22059/lkppolicy.2021.84830

Ming, N. C., & Goldenberg, L. B. (2021). Research worth using:(Re) framing research evidence quality for educational policymaking and practice. *Review of Research in Education*, *45*(1), 129-169. doi:10.16580/eps.3023.24473.2148

Zajda, J. (2021). *Third international handbook of globalisation, education and policy research.* Springer International Publishing. doi:10.02080/els.2023.24473.2148

http:// 10.22034/NHERK.2025.578621.1024